

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی – سعید افغانی»
۱۵ اپریل ۲۰۱۴

نامگذاری در اسلام

دوست محترم جاوید و خواننده معزز سلام دوستانه و برادرانه خویش را خدمت شما و سایر خوانندگان محترم پورتال «افغانستان آزاد – آزاد افغانستان» تقدیم می دارم!

مطالب مندرج نوشته شما برای خواننده بحث را غنای بیشتر داده و مطالب به دید اول برابر به منطق هر انسان صادقانه ارایه شده که من آن را غنای بحث برای خواننده امروز می دانم. اما بخشی از مسایل با تعمق و آگاهی از مسایل دین اسلام طور دیگر اند.

من مختصر و بالمواجه خلاف قصد اولی خویش مجبور به نوشتن این مطالب به نحوی و ترتیبی که در بحث و نوشته شما آمده احتراماً تقدیم می دارم:

در جوامع دینی و اسلامی در صورت تخلف دوجمرج تطبیق قانون و مراعات قواعد معین قبول شده وجود دارند. یکی مرجع دولتی – مراجع عدلی و قضائی که به صورت دقیق حساب شده در زندگی بشری در ابتداء به صورت غیر مدون و بعداً تدوین شده است. این قواعد با داشتن سه بخش: اگر از چراغ سرخ در سرک گذشتی مورد جریمه قرار خواهی گرفت و مرجع دولتی آن را بالایت در صورت عدم پرداخت جریمه، تحمیل خواهد کرد. و برای مسلمان و شخص دارای اصول معین اخلاقی مرجع دوم قاضی داخلی خود انسان مسلمان و معتقد با معیار و اصل معین است. که درین صورت قرار دادن احکام و هدایات اسلامی و یا معیار اخلاقی معین به صورت داوطلبانه به اجراء و عدم اجرای مسأله و کاری حکم می کند.

بخشی ازین اوامر و نواهی به صورت دقیق روشن و واضح بیان شده که به چه امور پرداختن ممکن است، مجاز و اخلاقاً درست است و یا به چه امور نه. در بعضی موارد اساس و هدایت قانون و اخلاق و قواعد دینی هم مطرح است و در بعضی موارد نه.

در قواعد و اوامر دینی هم در سطوح مختلف امر و نهی قرار دارد و در مواردی بهتر دانسته شده که از کاری دوری جسته شود.

اعمال انسان در اسلامی به پنج مرتبه (فرض، واجب، سنت، مکروه، حرام، مباح) تقسیم می شوند که فرض و واجب را در یک سطح نیز قرار می دهند. درین مورد رتبه ای در قسمت مباح هم وجود دارند که بهتر است به کار معین مسلمان نپردازد و یا بپردازد. مسأله رخصت و عزیمت. پرداختن به تمام اینها ضرورت به صفحات بیشتر دارد.

برای مسلمان محتاط و دوری کننده از گناه بهتر است در مورد نام گذاشتن قواعد و اصول معین را مانند سایر مسایل در دین مراعات کند. بخشی از مسایل بهتر پنداشته و بخشی از مسایل منع و حرام اند.

جاوید کلمه پارسی/فارسی/ دری/ پهلوی ویا باشد ویا به عاریت گرفته شده اما جاوید به معنای همیشه موجود و ابدی است.

مسلمان به این باور است که ذات ازلی و ابدی (جاوید) ذات باریتعالی است. «**کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذو الجلال و الاکرام**» هرکه درین دنیا است فانی شوند و رفتنی است و صرف ذات پروردگار دایمی و ماندگار و جاوید است.

حال برای کسی که مسلمان است خلاف این را ولو به صورت غیر قصد باید به خاطر احتیاط هم چنین چیزی نگوید که وی جاوید و ماندگار است. الله تعالی جاوید و ماندگار است و ما مسلمانان بندگان ذات ماندگاریم. اما اگر شخصی از این حکم خبر نداشت و گفت و تا حال به کار برد مشکل گناهکار نیست. اما بعد از رسیدن این حکم و فهم تفسیر مسأله باید جداً محتاط باشد. بقیه اختیار به هر انسان است و جبر و اکراه در میان نیست.

خدمت شما به عرض برسانم که درمورد نام ها و تخلص ها برادر داکتر صلاح الدین سعیدی – سعیدافغانی رساله بس بزرگی را در پنج زبان روی دست دارد که تقریباً از سالهای زیادی روی آن کار می کند و ان شاء الله عنقریب تکمیل و آماده چاپ می گردد.

در مورد اعمال انسان متعهد و مسلمان، کردن کاری که باید نشود و نکردن کار که باید شود هردو تخلف حساب می شوند که اولتر از همه در ترازوی قضاوت خود مسلمان و انسان متعهد، دوم در قضاوت مرجع دولتی و حکومتی مورد بازپرس قرار می گیرد.

این که چه کلمه، لغت و اصطلاح اصلاً از کدام زبان است و چه وقت در زبان دیگر داخل شده و چه وقت جز زبان جدید محسوب می گردد و چه قواعد در این راستا وجود دارند بحث عریض و طویل و علم مستقل زبان شناسی است.

معادل انگلیسی الف لام تعریف عربی (ال) که در زبان انگلیسی آن را ارتکل می گویند (The) مشخص می سازد و زمانی استعمال می شود که ما از کتاب معین صحبت داریم (الکتاب، The book) درین صورت منظور ما زمانی که می گویم عبدالجاوید یعنی به دوم مفهوم است: غلام همان جاوید که من و خودت مانند مسلمان می شناسیم و آن ذات باریتعالی است و الف لام تعریف آن را مشخص می سازد و همچنان عبد به معنای غلام و خدمتگار و بنده آمده است که در دو صورت مفهوم درست است.

بلی آنچه عبدالرسول سیاف با تغییر نام خویش کرد که عبدالرب رسول سیاف تغییر داد گذشته از این که از عربها چه گرفت و یا نه گرفت انتخاب درست و خوب کرد. در رب الف لام تعریف وجود دارد و در رسول می شود هر فرستاده باشد که ضرورت به الف لام تعریف نیست.

در مسایل دینی و اصول دینی خلط کردن این که عربها و من این و آن چه کردند و چقدر از دین توسط مسلمانان سوء استفاده شده برخورد دقیق این است که باید خلط و مزج نشود. اما اگر کسی چنین کاری را هم می کند اختیار دارد و مسؤول کار خویش خود است.

مسلمان خویش است، بنده الله تعالی و خدمتگار و معبود خویش باشد و در این برای مسلمان مشکل وجود ندارد. با تمام صداقت باید عرض داشت که منظور ما از این بحث به خاطر توهین و تحقیر نبود بلکه مشکل عام بین مسلمانان است که اکثر متوجه این مسأله نمی شوند. اما این مسأله کدام جرم نیست و مسلمان حد خود را می شناسد. نام های مکمل اولاده پیامبر اسلام هم با این مختصر نیست.

این که با آمدن تمدن عرب چقدر زبان های کشور های اسلامی غنی یافتند و چقدر اصلیت خویش را ازدست دادند و کدام یک چقدر خوب بود که باید باقی می ماند و کدام مسأله باید تجدید شود و بشریت تجارب خویش را از یکی به دیگری انتقال دهند و این که دین اولی زردشتی و یا بودائی و یا اسلام کدام یک بهتر بود؟ مسایلی اند دارای ابعاد و

جوانب مختلف که قواعد اسلامی در این زمینه روشن است و در مسایل کلتوری و فرهنگی بخشی از مسایل قابل بحث اند و نظر واحد در داخل عقاید دینی هم وجود ندارد.

مقایسه امریکا در مورد عبد با مسئله اسلامی عبد دوحث جداگانه و قیاس مع الفارق است. اما معلومات مفید شما قابل قدر اند.

در مورد این که لفظ و یا محتوای قرآن کریم مقدس است بحثی است که در طول قرن‌ها وجود داشت. فهم من از اسلام و قرآن کریم چنین است این کتاب به زبان عربی متن و محتوایش هر دو مقدس اند. اعجاز قرآن کریم در افاده های معین عربی و هماهنگی زیبایی عربی آن است که گمان نکنم در زبان دیگر به این قوت و زیبایی و ترنم افاده می شد. اما باز هم این بحث بحثی است طویل و عریض.

بلی باز هم مختصر بسم الله الرحمن الرحيم. را نمی توان به صورت کامل ترجمه کرد. رحمن و رحیم آنقدر جزئیات دارند که با برخورد دقیق صرف و صرف در تفسیر ممکن است آن را افاده کرد. صد ها مورد است که قرآن کریم و کلماتی که منظور از آن است مشکل و حتی مستحیل است در زبان دیگر به یک کلمه افاده و تشریح شوند. بلی دادن مفاهیم از یک زبان به زبان دیگر بس ابعاد مختلف دارند و افاده های قرآنی در تقسیمات معین به تقسیمات بیستگانه می رسد که در علوم تفسیر (علم نه علوم) و علوم حدیث و... قواعد زیادی وجود دارند. گرفتن آیات قرآنی و ترجمه ساده آن بدون تفسیر و دهها جانب دیگر مسئله برخورد شرعی نیست. این کار کار مجتهد دینی است. و این که چه کسی مجتهد و کی شرایط آن را دارد باز هم بحثی است طویل و عریض. از تعاریف کتابی ترجمه و تفسیر تشکر آموختیم. و حال نکات چند در مورد نام ها:

دین مقدس اسلام از نظر یک مسلمان یکی از کاملترین و جامعترین ادیان الهی است که برای تمام ادوار و لحظات زندگی و دوران عمر، رهنمود ها و دستاویز خاص و معین دارد، که از جمله این دستاویز، رهنمود هائی است در مورد نامگذاری و انتخاب نام با مفهوم برای نوزاد ها.

از سنت های دین مقدس اسلام در مورد نوزادان، گفتن اذان و اقامه در گوش راست و چپ اوست. در روایات اسلامی آمده که پیامبر صلی الله علیه وسلم این سنت را درباره نواسه های خویش انجام داده است.

در کشور عزیز ما افغانستان از قدیم الایام طوری معمول است که بعد از گذشت چند روز از تولد کودک و نوزاد سعی به عمل می آورند که برای نوزاد نام واسم انتخاب کنند که بیشتر از این نام ها توسط پدر کلان ها و افراد صالح، علماء و یا پدر و مادر نوزاد از روی قرآن و یا با تمسک جستن به قرآن عظیم الشان و یا احادیث نبوی و یا سایر منابع قابل دسترس صورت می گیرد. معیار برای یک مسلمان خوب همان سنت رسول الله و صحابه کرام و سلف صالحین است.

دستاویز پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد نام گذاری :

پیامبر صلی الله علیه وسلم در حدیثی که از اصحاب سنن از « سمره » روایت گردیده است فرموده است : « کل غلام رهین بعقیقه، تدبج عنه یوم سابعه، و یسمی فیه و یحلق رأسه . »

هر طفل و نوزاد در گرو عقیقه اش (عقیقه : ذبح گوسفند به جهت تولد نوزاد در روز هفتم ولادت) است که روز هفتم سر بریده می شود و در آن روز نامگذاری شده و سرش را می تراشند. طبق این حدیث نامگذاری اطفال در روز هفتم ولادت صورت می گیرد، ولی هستند احادیث دیگری که دلالت دارد بر این که این مراسم نامگذاری می تواند در همان روز ولادت هم صورت بگیرد، زیر این پروسه باید در کشور های غربی در زمان ولادت طفل صورت گیرد.

در حدیثی که «امام بخاری» و «امام مسلم» از «سهل بن الساعی» روایت کرده اند، آمده است :
می گویند زمانیکه «منذر بن ابواسید» به دنیا آمد او را نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آوردند، پیامبر صلی الله علیه وسلم در حالی که نشسته بود، طفل را بر سر زانویش قرار دادند، و «ابواسید» نیز در نزدیک پیامبر صلی الله علیه وسلم نشسته بود.

راویان می گویند پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در همین اثنا مصروف چیزی که در برابرش بود شد، «ابواسید» امر کرد تا طفل را از سر زانو رسول الله صلی الله علیه وسلم بردارند .
بعد از مصروفیت پیامبر فرمودند: طفل کجاست ؟ «ابواسید» گفت: ای رسول خدا ! طفل را بردند .
پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: نام او چه بود ؟ گفت: نام او فلان بود .
فرمودند: خیر، بلکه نام او منذر است .

همچنین در صحیح دیگری از «مسلم» در حدیث سلیمان بن المغیره، از ثابت از «انس» (رض) آمده است که :
پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: امشب طفلی بدنیا آمد، او را به نام پدرم ابراهیم (ع) نام نهادم .
از احادیثی که در فوق یاد آور شدیم می توان چنین استنباط نمود که در نام گذاری از لحاظ زمانی وسعت زیادی هست . (چه روز اول تولد، چه قبل از عقیقه و چه بعد از آن در همه این حالات می تواند پروسه و مراسم نامگذاری صورت گیرد .)

اسماء مستحب و مکروه :

دین مقدس اسلام همیشه بر والدین تأکید وحتی واجب گردانیده است که باید سعی و کوشش اعظمی به خرج دهند تا بهترین و زیباترین نامها را بر فرزندان خویش انتخاب نمایند .

پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور فرموده است که : «إنکم تدعون یوم القیامة بأسمائکم و بأسماء آبائکم، فأحسنوا اسماءکم . (روایت ابوداود حدیث حسن) در روز قیامت شما را با نامهای خود و پدرانتان صدا می زنند . پس نامهای نیک برای فرزندان خود انتخاب نمائید .

همچنان در حدیث دیگری با زیبایی خاصی می فرماید : نام انبیاء را بر فرزندانانتان بگذارید و محبوبترین نامها نزد الله تعالی ، عبدالله و عبدالرحمن است .

بر والدین واجب است از گذاشتن نامهای بد شگون بر فرزندان خود خودداری نمایند . همچنین از گذاشتن نامهایی که به خداوند سبحان تعلق دارند ، خودداری کنند . مانند صمد ، رازق ، خالق و ... به علاوه از گذاشتن نامهایی که عبودیت را برای غیر الله می رسانند ، اجتناب شود . مانند : عبدالکعبه ، عبد النبی و ...

و بالاخره اولیای گرامی باید بدانند که اسمهایی که دلالت بر عشق سوزان و سرگشتگی دارد و یا از بیگانه گرفته شده اند مطلوب نیست . زیرا چنین اسمهایی اعتبار امت اسلامی را لکه دار کرده و هویت آن را نابود می سازند و معنویات را از بین می برند .

چه نیکوست که اسلوب تربیتی اسلام را در زندگی پیاده کنیم و فرزندان خود بر تربیه اسلامی تربیه نمائیم ..

یادداشت ضروری :

« اصل در نامگذاری فرزندان بر مباح بودن تمامی اسمها است مگر آن دسته از اسمهایی که شرع از نامگذاری آنها نهی کرده باشد. و از جمله موارد ممنوع می توان گفت:

۱- به کار بردن اسماء الهی همانند (مجید، حمید، کریم، رحیم و ...) البته اگر کلمه «عبد» را به ابتدای آن افزوده شود یعنی بصورت (عبدالمجید، عبدالحمید، عبدالکریم و عبدالرحیم...) جایز است.

امام مسلم در صحیح خود در حدیثی از ابن عمر رضی الله عنه روایت می کند که گفت: « قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (إِنَّ أَحَبَّ أَسْمَائِكُمْ إِلَى اللَّهِ عَبْدُ اللَّهِ وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ) ». مسلم (۲۱۳۲)

یعنی: براستی که محبوبترین اسمهای شما نزد الله تعالی، عبدالله و عبدالرحمن است.

پس به کاربردن اسماء الهی بدون کلمه « عبد » در ابتدای آن جایز نیست.

همچنین گذاشتن اسم «الهه» (یا «اله») بر روی دختران حرام است. زیرا «اله» به معنای معبود است، یعنی کسی که پرستش می شود.

۲- گذاشتن اسمهایی با عناوین: (عبدالعلی، عبدالرسول، عبدالحسین و امثال آنها) جایز نیست. البته « عبدالرضا» جایز است زیرا «الرضا» یکی از اسماء الهی است.

البته برخی گفته اند که گذاشتن اسم با نام «عبدالمطلب» جایز است و برای ادعای خود به حدیث زیر استناد کرده اند: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «أنا النبی لا کذب، أنا ابن عبد المطلب» یعنی: من پیامبر هستم و دروغ نمی گویم، من فرزند عبدالمطلب هستم.

حال می گویند چون پیامبر صلی الله علیه وسلم لفظ «عبدالمطلب» را به کار برده است، این دلیلی بر جواز آن خواهد بود وگرنه پیامبر صلی الله علیه وسلم از به کار بردن آن لفظ امتناع می کردند.

اما مخالفین این رأی گویند که استعمال این لفظ توسط ایشان از باب خبر دهی بوده است تا مخاطبین از گفته او متوجه منظورش شوند. لذا به طور مطلق هرگونه نامگذاری با ترکیب (عبد + اسم انسان) را حرام می دانند حتی عبدالمطلب، و رأی ارجح نیز همین رأی است.

۳- نام گذاشتن به وسیله اسم کفاری که مشهور هستند یا در حال حرب با اسلامند: مانند (پطرس، جورج، و ..)

۴- نام گذاشتن به وسیله اسم بتها و طواغیت؛ مانند (بودا، شیطان و میترا و آناهیتا و امثال آنها).

اما یکسری از نامها هستند که حرام نیستند ولی مکروهند. مانند:

۱- اسمهایی که معمولاً بشر از معنای آن ناراحت می شود. مانند: (هیام) که در حقیقت اسم یکی از امراض شتر است.

۲- گذاشتن اسمهایی که معانی شهوت و رخوت می دهند. به خصوص برای دختران، مانند (ساقی، آبناز، فغانه و امثال آنها)

۳- گذاشتن اسم فاسقین و کسانی که به انجام منکرات مشهور اند. مانند اسم خوانندگان و هنرپیشگان

۴- گذاشتن اسمهایی که حاکی از گناهی هستند. مانند (سارق، ظالم) دین مقدس اسلام در سوره (حجرات آیت ۱۱) با

صراحت می فرماید: «وَلَا تَنَابَذُوا بِالْأَلْقَابِ» و یکدیگر را با القاب (لقب ها) زشت و ناپسند مخوانید و منامید .

در حدیثی امام ترمذی و ابن ماجه از ابن عمر روایت می کنند: که همانحضرت عمر دختری به نام «عاصیه» داشتند، رسول الله صلی الله علیه وسلم نام او را به «جمیله» تغییر دادند .

بناءً به پدر ها و مادر ها و برهیچ کس دیگر جایز نمی باشد که فرزندان و یا کسانی را با القاب زشت صدا کنند، مانند «گر» (یا گور) «گنکه» (دیوانه) «گیچ گول ویا همچو اسماء که با تأسف در برخی از مناطق افغانستان و برخی فامیل ها مروج است .

۵- گذاشتن نام حیوانات مشهور به صفات زشت یا پست. مانند (حمار، کلب)

۶- هر اسمی که به «اسلام» و «دین» اضافه شده باشد. مانند (نورالدین، نورالاسلام، شمس الدین و ..)

۷- هر اسمی که به «الله» اضافه شود به جز عبدالله. مانند: (رحمت الله، حسیب الله و ..)

۸- گذاشتن نام ملائکه بر روی فرزندان. مانند (جبرئیل، میکائیل و ...) البته تسمیه دختران با نام ملائکه حرام است. زیرا این امر تشبیه به مشرکین است که ملائکه را مونث و دختران الله می دانستند.

۹- گذاشتن اسم سوره های قرآن بر روی فرزندان. مانند: (طه، یاسین، و ...) و اسمهای قرآن مانند: فرقان، بیان - برخی اسم « بیان » را از اسماء قرآن نمی دانند و لذا آن را جایز دانسته اند.

۱۰- اسمهایی که نشانگر تزکیه باشند بر فرزندان. مانند: (عابد، متقی، زاهد، ایمان و هر اسم دیگری که چنین مفهومی داشته باشند)

۱۱- گذاشتن اسم انسانهای ظالم و جبار بر فرزندان نیز مکروه است. مانند حجاج

اما بهترین اسمها را می توان به صورت زیر ترتیب گذاری کرد:

مرتبه اول: عبدالله و عبدالرحمن.

مرتبه دوم: اضافه کردن « عبد » به « اسماء الله »، مانند (عبدالعزیز، عبدالمجید و ...)

مرتبه سوم: اسم انبیاء و رسولان الهی. و بدون شک بهترین آنها اسم پیامبران صلی الله علیه وسلم یعنی «محمد» است.

بعد از آن سایر پیامبران اولولعزم مانند (ابراهیم، عیسی، موسی، نوح) علیهم الصلاة والسلام می باشند. و بعد از آنها

نیز بقیه انبیاء الهی همچون: یوسف، اسماعیل، یعقوب و دیگران علیهم الصلاة والسلام.

مرتبه چهارم: اسم بندگان صالح خداوند. همچون اصحاب پیامبر رضی الله عنهم اجمعین.

مرتبه پنجم: هر اسم زیبایی که معنای زیبایی داشته باشد.

حکم اسلام به وجوب برگزیدن نام های عربی یا غیر عربی برای فرزندان، مذکر یا مؤنث نیست، بلکه چنین مسأله ای

را به خود خانواده واگذار کرده است و از آنان می خواهد که در نامگذاری فرزندان خود از نام های نیک استفاده کنند.

اما اسلام اصولی برای نامگذاری کودک قائل است:

۱- نام، نیک باشد به طوری که مردم آن را قبیح و بد شمارند و کودک پس از بزرگ شدن و به حد بلوغ رسیدن از آن

اکراه نداشته باشد. در ضمن نام شخصی نباشد که بر فسق و فجور در میان مردم شهره است و امثال آن، این گونه اسامی

برای نامگذاری مناسب نیست. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و اله و سلم) نام های بد را به نام های نیک تغییر می داد.

ایشان نام «قلیل» را به «کثیر» و نام «عاصیه» را به «جمیله» تغییر دادند.

۲- نام، بیانگر پرستش غیر خدا نباشد؛ مانند: عبد الکعبه یا عبد النبی، یا عبد الحسین و امثال آن. ابن جزم روایت می

کند که امت بر تحریم هر گونه نامی که بیانگر پرستش غیر خدا باشد، جز «عبدالمطلب» اجماع دارند. نام هایی که میان

غیر عرب معروف است، مانند غلام احمد، غلام علیف غلام گیلانی و امثال آنها از جمله نام های حرام هستند.

۳- نام، بیانگر تکبر، عظمت و خود برتر بینی نباشد. در حدیث صحیح روایت شده که پیامبر گرامی (صلی الله علیه

و اله وسلم) می فرماید: «أَخْنَعُ اسْمٍ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ تَسْمَى مَلِكُ الْأَمَلَاكِ، لَا مَلِكَ إِلَّا اللَّهُ»

(زشت و بدترین نام نزد خداوند متعال در روز قیامت مردی است که خود را شاه شاهان، شاهنشاه نام نهاده باشد، در

صورتی که فقط خداوند متعال مالک و صاحب این جهان است.)

همچنین نامگذاری با یکی از نام هایی که مختص خداوند متعال باشد (اسماء الله الحسنى) مانند: رحمان، رحیم، مهیم،

جبار، متکبر، خالق، باری و امثال آن حرام است. به همین ترتیب، نام گذاری با نام هایی که مختص خداوند متعال

نیستند، اما علامت معرفه دارند، مانند: العزیز، الحکیم، العلی، الحلیم و امثال آن جایز نیست، ولی توصیف اشخاص با

اسامی به صورت نکره هیچ اشکالی ندارد، و همان طور که شاهد هستید نام هایی چون: علی و حکیم نام اصحاب

پیامبر بود یا اسامی دیگر مانند: عزیز، حلیم، رؤوف، کریم، رشید، هادی، نافع و امثال آن که از این قبیل است.

۴- سنت است که تسمیه اشخاص با یکی از نام های پیامبران و صالحان باشد، تا از یک طرف یادی از آن بزرگان گردد و از طرف دیگر سبب تشویق و ترغیب و پیروی از آنان شود.

یا تسمیه با نام هائی که بیانگر پرستش خداوند متعال است، باشد در حدیث نبوی روایت شده که: «أَحَبُّ الْأَسْمَاءِ إِلَى اللَّهِ عَبْدُ اللَّهِ وَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ»

(خوشایندترین نام ها در پیشگاه خداوند متعال عبدالله و عبدالرحمان است.)

سایر نام های نیک، از این قبیل می باشد مانند: عبدالعزیز، عبدالعلیم، عبدالخالق، عبدالملک، عبدالواحد و امثال آن بر آن قیاس می شود.

۵- تا آن جا که من اطلاع دارم، هیچ فقیهی نام گذاری اشخاص را با یکی از نام های غیر عربی- اگر آن نام در آن زبان نیکو باشد- ممنوع ندانسته است. بسیاری از مسلمانان پس از آن که اسلام را پذیرفتند بر نام های غیر عربی خود باقی ماندند، با وجود این که در محیطی عربی بودند. نمونه بارز آن «ماریه» قبطی مادر ابراهیم پسر پیامبر گرامی (صلی الله و آله و علیه و سلم) است، که با همان نام قبطی مصری در میان مسلمانان مشهور است. وقتی که به اسامی اصحاب و تابعان آنان نظری بیفکنیم، در می یابیم که نام آنان یا در اصل نام گیاهان است، مانند: طلحة، سلمة، حنظلة و... یا از نام های حیوانات و پرندگان است، مانند: فهد، اسد، هیثم، صقر و... یا از نام جمادات و اشیای طبیعی است، مانند: بحر، جبل، صخر و... یا از اوصاف مشتق شده است، مانند: عامر، سالم، عمر، سعید، فاطمة، عائشة، صفیة، میمونة و... یا نام یکی از پیامبران و صالحان پیشین است، مانند: ابراهیم، اسماعیل، یوسف، موسی، مریم و... در پرتو چنین اصولی است که پی می بریم هر مسلمان می تواند از نام های عربی و غیرعربی اما مناسب برای نام گذاری فرزندش استفاده کند. پایان

تتبع و نگارش :

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»

مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیک افغان و

مسئول مرکز کلتوری دحق لاره- جرمنی